



ارزیابی مناسبت ضرب سکه‌های مسی سلطانیه مورخ ۷۱۳ ه‍.ق در دوره اولجایتو با تأسیس شهر

مهرناز بهروزی^۱، کوروش صالحی^۲

۱ استادیار گروه علمی، تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: meh.behroozi@iauctb.ac.ir

۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد: تاریخ ایران دوره اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله:
پژوهش حاضر به بررسی دو نمونه منحصر به فرد از سکه‌های مسی ضرب‌شده در سلطانیه به سال ۷۱۳ ه‍.ق در دوره اولجایتو می‌پردازد؛ سکه‌هایی که از نظر شکل، ترکیب نمادها، و عبارت‌ها، تفاوت چشمگیری با سایر مسکوکات ایلخانی دارند. ویژگی‌هایی چون درج سال به صورت عددی، فقدان شعارهای مذهبی و تلفیق نمادهای چینی و نجومی (عقرب)، این احتمال را مطرح کرده‌اند که ضرب این سکه‌ها به مناسبت تأسیس سلطانیه، پایتخت جدید ایلخانان، انجام شده است. روش تحقیق، ترکیبی از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای با تحلیل تطبیقی داده‌های سکه‌شناسی و متون تاریخی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عناصر نمادین و نوآوری‌های این سکه‌ها با تحولات سیاسی و شهرسازی سلطانیه در دوره اولجایتو هم‌راستا بوده و احتمال ضرب مناسبتی آنها را تقویت می‌کند. هرچند نبود اسناد مکتوب همزمان، قطعیت این فرضیه را با محدودیت روبه‌رو کرده است، اما همگرایی شواهد بصری، متنی و تطبیقی، زمینه قابل قبولی برای تأیید نقش این سکه‌ها به عنوان رسانه‌ای در فرایند مشروعیت‌بخشی و هویت‌سازی شهر سلطانیه فراهم می‌آورد.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹ واژگان کلیدی: اولجایتو سلطانیه سکه‌های مسی مشروعیت سیاسی هویت شهری

* استناد: بهروزی، مهرناز، صالحی، کوروش (۱۴۰۴). ارزیابی مناسبت ضرب سکه‌های مسی سلطانیه مورخ ۷۱۳ ه‍.ق در دوره اولجایتو با تأسیس شهر.

پیام باستان‌شناسی، ۱۷(۳۲)، ۱۰۳-۱۲۰.

<https://doi.org/10.71794/peb.2025.1192019>

مقدمه

دوره ایلخانی از مهم‌ترین و پویاترین دوره‌های تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در تاریخ ایران محسوب می‌شود؛ دورانی که سکه‌ها و تنوع بی‌سابقه در نقوش و عبارت‌ها حک شده بر مسکوکات، بازتاب‌دهنده قدرت، هویت سیاسی و همچنین نمایانگر تنوع مذهبی و فرهنگی بوده است.

در این دوره، سیاست‌های دینی و حضور سلیقه‌های مختلف سیاسی و مذهبی در ساختار حکومت ایلخانی، همراه با گسترش ضرابخانه‌ها در شهرهای گوناگون، سبب شد نقش‌ها، خطوط، شعارها و نمادهای بسیار متنوعی بر سکه‌های ایلخانی دیده شود (شمسی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۴؛ سرفراز و آوزمانی، ۱۳۷۹: ۲۱۶؛ علی‌زاده مقدم، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۰). این گستره و تنوع، جایگاه ویژه‌ای برای سکه‌شناسی دوره ایلخانی در مطالعات تاریخی ایران به وجود آورده است.

با وجود پژوهش‌های متعدد، هنوز بسیاری از جنبه‌های نمادین و مناسبتی ضرب سکه‌ها، به‌ویژه در رویدادها و مناسبت‌های خاص تاریخی، مبهم باقی مانده و نیازمند بررسی‌های موردی است (Album, 2012). شهر سلطانیه که به دستور اولجایتو تأسیس شد و در منابع معتبری همچون «ذیل جامع‌التواریخ» حافظ ابرو، «تاریخ و صاف» و «تاریخ اولجایتو» به تفصیل روند و انگیزه‌های ساخت آن ذکر شده، از بارزترین نمادهای اقتدار ایلخانی محسوب می‌شود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۷؛ و صاف‌الحضره، ۱۳۷۲: ۲/ ۲۸۴-۲۸۳؛ کاشانی، ۹۰-۹۵؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۵).

در جریان بررسی مسکوکات این دوره، دو نمونه کاملاً منحصر به فرد از سکه‌های مسی اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶ ق) شناسایی شد که چه از لحاظ شکل ظاهری و چه از نظر عبارت‌ها و نمادها، بی‌سابقه و کاملاً متفاوت با سایر سکه‌های این عصر است. ویژگی برجسته این سکه‌ها، فقدان عبارت‌ها مذهبی مرسوم و وجود عبارت‌هایی همچون «عدل شهر سلطانیه» یا «فلوس شهر مبارک سلطانیه»، به‌همراه ذکر «طالع سال عقرب» و سال ۷۱۳ هجری قمری است (Album, 2012, no.699, no.534).

همچنین، درج سال ضرب به صورت عددی و نمادین، برای نخستین بار در تاریخ سکه‌زنی ایران در این نمونه‌ها دیده می‌شود. این ویژگی‌ها باعث طرح فرضیه ضرب این سکه‌ها به مناسبت تأسیس سلطانیه شده است.

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که این دو سکه، به لحاظ بصری و محتوایی، می‌توانند سرنخی ارزشمند برای شناسایی مناسبت‌های خاص به‌ویژه رویداد مهم تأسیس یا انتخاب سلطانیه به‌عنوان پایتخت ایلخانان ارائه دهند.

هدف مقاله حاضر تحلیل تطبیقی داده‌های سکه‌شناسی و متون تاریخی (مانند جامع‌التواریخ، ذیل جامع‌التواریخ، تاریخ و صاف، تاریخ اولجایتو، نزهةالقلوب، ظفرنامه و فرامین شاهی) و بررسی نمادها و عبارت‌ها حک شده است تا صحت فرضیه «ضرب سکه‌ها به مناسبت تأسیس شهر سلطانیه» سنجیده شود.

پرسش اصلی این پژوهش این است که: آیا تفاوت‌های ساختاری، نمادین و متنی این سکه‌های مسی بیانگر رابطه‌ای مستقیم با تأسیس شهر سلطانیه در عصر اولجایتو است؟

برای پاسخ، ضمن تحلیل تاریخی و نشانه‌شناختی مسکوکات، داده‌ها با متون تاریخی تطبیق داده شده تا نقش این سکه‌ها در مناسبت تأسیس شهر سلطانیه آشکار گردد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر به روش تاریخی-تطبیقی انجام شده است. پژوهشگران با هدف تحلیل مناسبت ضرب سکه‌های مسی سلطانیه مورخ ۷۱۳ ه‍.ق در دوره اولجایتو، ترکیبی از داده‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای را به کار گرفتند. در وهله نخست، جست‌وجوی دقیق در میان مجموعه سکه‌های دوره ایلخانی موجود در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی صورت گرفت. با وجود دشواری‌ها و محدودیت‌های دسترسی به برخی آرشیوها، از جمله موزه‌های معتبر داخلی مانند آستان قدس رضوی، موزه ملی ایران، موزه ملک تهران و موزه بانک سپه، نهایتاً نمونه‌هایی شناسایی و اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. به منظور تکمیل

شهری»، «پروپاگاندا سیاسی»، «کارکرد آیینی - دینی»، و «شاهدان فرهنگ مادی» تأکید می‌کند (Hawting, 2019; Album, 2017; Treadwell, 2020). از منظر نظریه‌پردازان فرهنگ مادی و تاریخ اقتصادی، سکه‌ها نه تنها به‌عنوان حامل ارزش مالی، بلکه به مثابه رسانه‌ای برای انتقال قدرت، مشروعیت بخشی، و بازنمایی نمادین رخدادهای مهم نظیر تأسیس شهرها عمل می‌کنند (Spufford, 1988; Wickham, 2023).

بر همین اساس، مطالعات اخیر نشان می‌دهد که ضرب سکه‌های جدید در نقطه عطفی چون تأسیس سلطانیه نشانه‌ای از سیاست نمادین و تجلی هویت پادشاهی است: پژوهش‌های همچون «اشیاء ترجمه: فرهنگ مادی و مواجهه «هندو-مسلمان» قرون وسطی»^۱ (Flood, 2009)، «اهمیت سکه در امپراتوری مغول»^۲ (Curtis, 2018) و «شهر، سکه، فرمانروا: سیاست پولی در ایران ایلخانی»^۳ (Farrokh, 2022)، سکه را نه صرفاً ابزار دادوستد، بلکه سندی زنده در تاریخ اقتصاد سیاسی و تاریخ شهرنشینی ایران می‌دانند. پژوهشگرانی مانند Luke Treadwell و Stephen Album در آثار اخیر خود، سکه‌یابانه نشان داده‌اند که انتشار ضرب‌های خاص، همزمان با بنیادگذاری یا ترفیع جایگاه شهری، نوعی بیانیه حکومتی و فرهنگی بوده است.

از سوی دیگر، مطالعات نوین تاریخ پولی ایران^۴ همچون (Broome, 2019) تأکید دارند که نوآوری در سال‌نگاری عددی، نمادپردازی (مانند نقش عقرب یا عبارت‌ها خاص)، تقلید از قالب‌های شرقی/چینی، و تنوع نوشتاری بر سکه‌ها، اغلب عامدانه و برای اعلان تغییرات بنیادین در سیاست یا هویت شهری روی می‌دهد. همچنین در رویکرد فرهنگ مادی^۵ (cf. Miller, 2010. Stuff) سکه نه فقط

داده‌های میدانی و رفع کمبود منابع داخلی، بخشی از داده‌ها از مجموعه‌های معتبر بین‌المللی و حراجی‌هایی چون استفان آلوم گردآوری شد. مشخصات ظاهری سکه‌ها شامل عبارت‌ها رو و پشت سکه‌ها، جنس، سال ضرب، وزن و نمادهای به‌کار رفته با دقت ثبت و در جداول مقایسه‌ای تنظیم شدند.

در کنار داده‌های میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع دست اول شامل متون تاریخی و جغرافیایی (مانند تاریخ و صاف، ذیل جامع‌التواریخ و تاریخ اولجایتو)، رساله‌های تخصصی سکه‌شناسی، و آخرین پژوهش‌های چاپ‌شده صورت گرفت. منابع معتبر خارجی نیز برای بررسی وجوه تطبیقی و تحلیل ریشه‌های فرهنگی و فنی ضرب سکه‌ها به کار گرفته شد.

در نهایت، با تطبیق اطلاعات گردآوری‌شده و تحلیل تطبیقی آنها با دیگر نمونه‌های ضرب‌شده دوره ایلخانی و حتی سنت سکه‌زنی شرق آسیا، تلاش شده است مناسبت یا هدف احتمالی ضرب این سکه‌های خاص سلطانیه به مناسبت تأسیس شهر روشن گردد.

پیشینه و مبانی نظری

پژوهش‌های مربوط به سکه‌های ایلخانی و سکه‌های ضرب سلطانیه همواره مورد توجه پژوهشگران تاریخ اقتصاد، هنر، و هویت ایرانی بوده و هست. بیشتر آثار کلاسیک فارسی (نظیر سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹؛ علیزاده مقدم، ۱۳۸۸؛ قاسم‌بگلو، ۱۳۸۵) به گونه‌ای تحلیلی و توصیفی به جنبه‌های فنی، هنری و مذهبی سکه‌های این دوره پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی که نقش مناسبت‌های خاص از جمله تأسیس شهر سلطانیه را بازتاب دهند، بیشتر در خلال مقالات سکه‌شناسی بین‌المللی یا کاتالوگ‌های حراج (Stephen Album, 2012, 2014, 2016) طرح شده و اغلب در قالب فرضیه‌هایی مطرح هستند تا تحلیل‌هایی مبتنی بر شواهد تاریخی.

در یک دهه اخیر، تحول رویکردها در مطالعات بین‌المللی سکه‌شناسی مشهود است. رویکرد تازه بر فهم سکه‌ها به عنوان عناصر فعال در «فرآیند ساخت هویت

¹ Objects of Translation: Material Culture and Medieval "Hindu-Muslim" Encounter

² The Significance of Coinage in the Mongol Empire

³ The City, the Coin, the Sovereign: Monetary Policy in Ilkhanid Iran

⁴ Monetary History of Iran

⁵ Material Culture

تشیع را به‌عنوان مذهب رسمی خود برگزید. این مطلب در منابع این دوره بازتاب یافته است: رشیدالدین معاصر و وزیر اولجایتو بوده و موضوع تغییر مذهب اولجایتو را به تفصیل آورده است. «... و سلطان از مذهب اهل سنت بر اثر نزاع علما به تشیع گرایید» (فضل الله همدانی، ۱۳۹۳: ۳/۶۶۳ به بعد). و صاف نیز با فاصله‌ای اندک اوضاع مذهبی دوره اولجایتو را شرح می‌دهد و اشاره می‌کند چگونه اولجایتو تحت تأثیر علمای شیعه و خصوصاً علامه حلی، تشیع را پذیرفت. و صاف ماجرا را با جزئیاتی درباره نزاع فقهی سنیان و مناظرات علمای شیعه و اهل سنت بیان می‌کند (وصاف، ۱۳۷۲: ۲/۱۲۶-۱۲۸). تاریخ اولجایتو: اشاره می‌کند که اولجایتو از مذهب نسطوری به اسلام، و سپس میان مذاهب سنی سرگردان و سرانجام به تشیع گرایید (کاشانی، ۱۳۷۲: ۹۵-۹۰). مستوفی با اختصار اما صریح، پذیرش تشیع از سوی اولجایتو را بر اثر فعالیت علمای شیعه از جمله علامه حلی می‌آورد، با تأکید بر رسمی شدن تشیع در دارالاسلام (مستوفی، ۱۳۳۶: ۴۹۰ به بعد). این تغییر دینی به ویژه متشیع شدن اولجایتو روی سکه‌ها نیز نمود یافت. در این دوره، برای نخستین بار عبارت «علی ولی‌الله» بر روی سکه‌های دولتی ایران نقش بست. این اتفاق پس از پذیرش رسمی تشیع از سوی اولجایتو (سلطان محمد خدابنده) در حدود سال ۷۱۰/۷۰۹ ه‍.ق رخ داد (شکل‌های ۱ و ۲).



شکل ۱: سکه نقره، سال ۷۱۴ ه‍.ق. عبارت «علی ولی‌الله» در پشت سکه ضرب سلطانیه، موزه باستان‌شناسی کلسی

(<https://exhibitions.kelsey.lsa.umich.edu/pearls/img/zoom/coin3b.jpg>)

آیین اقتصاد، بلکه یک «متن اجتماعی» و «دال فرهنگی» است.

بر این اساس، مقاله حاضر با رویکردی تطبیقی و بهره‌گیری از نظریه‌های نوین بین‌رشته‌ای، جایگاه سکه‌های مسی ضرب ۷۱۳ ه‍.ق سلطانیه را به مثابه رسانه‌ای چندوجهی بررسی می‌کند؛ رسانه‌ای که نه تنها بازتاب‌دهنده سیاست‌های شهری و سازوکارهای هویت‌سازی حکومت اولجایتو است، بلکه به واسطه ماهیت نمادین و آیینی خود، حامل پیام‌هایی درباره مشروعیت و اقتدار سیاسی، فرآیند شهرسازی، و حتی تلاش برای ماندگار ساختن رویدادهای مهمی مانند تأسیس پایتخت جدید محسوب می‌شود.

این رویکرد تحلیلی، امکان فهمی عمیق‌تر و چندلایه را از کارکرد و پیام سکه‌های سلطانیه فراهم می‌آورد؛ چرا که تحلیل حاضر، هم بر مبنای منابع اصلی و پژوهش‌های ایرانی و هم در مقایسه تطبیقی با آخرین مطالعات جهانی سکه‌شناسی و نظریه‌های معاصر تاریخ پول و فرهنگ مادی استوار است. به این ترتیب، خوانش سکه، صرفاً محدود به تفسیر ظواهر فنی یا اقتصادی نبوده، بلکه آن را به عنوان سندی زنده در فرآیند ساخت دولت، هویت شهری و سیاست‌گذاری فرهنگی دوره اولجایتو تحلیل می‌کند.

پیش‌زمینه تاریخی

۱. اوضاع سیاسی و فرهنگی دوره اولجایتو

حکومت اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶ ه‍.ق/۱۳۰۴-۱۳۱۶ م) از پرتلاطم‌ترین و در عین حال تاثیرگذارترین ادوار ایلخانی محسوب می‌شود. با استقرار ایلخانان در ایران، آن‌ها در مسیر انتقال تدریجی از سنت‌های مغولی و ایلی به ساختارهای ایرانی-اسلامی گام برداشتند. اولجایتو که نخست با نام مغولی «بودا» و سپس با نام «محمد خدابنده» پس از اسلام آوردن شناخته شد، این فرایند را به اوج رساند (Melville, 2012: 5-10).

از سوی دیگر، این عصر مقارن با تحولات عمده دینی و اجتماعی بود (Kolbas, 2006: 81): اولجایتو ابتدا به مذهب تسنن گرایید ولی سپس، به تشویق علمای شیعه،

این سکه نشان دهنده پابندی او به تشیع است، زیرا عبارت (علی ولی الله) به اقرار استاندارد ایمان اضافه شده است. علاوه بر این اعلامیه متنی فرقه‌ای، طرح کلی سکه با نمونه‌های پیشین خود متفاوت است. کتیبه‌ها به جای قرار گرفتن در قاب‌های دایره‌ای، مربعی یا چهاربرگی، در مدالیون‌های شش برگی و هفت برگی قرار گرفته‌اند.



شکل ۲: سکه نقره، سال ۷۱۴ ه‍.ق. عبارت «علی ولی الله» در پشت

سکه ضرب تبریز

(<http://www.worldofcoins.eu/forum/index.php?topic=56943.0>)

نقش این سیاست فرهنگی - دینی و اتحاد مذهبی در نهادهای شدن قدرت مرکزی و تداوم فرایند دولت‌سازی مغول-ایرانی تأکید ویژه دارند (Melville, 1999: 154-156; Pfeiffer, 2014: 232; Morgan, 2007: 156-157; Blair & Bloom, 1995: 85-91). لین ضمن تحلیل فرایند دولت‌سازی مغولان، به ویژه در دوره اولجایتو، بر تأثیر سیاست فرهنگی-دینی و پیوند حکومت با مشروعیت مذهبی جهت تضمین تداوم و ثبات قدرت مرکزی تأکید می‌کند (Lane, 2014: 201). ولجایتو با جذب نخبگان ایرانی، توسعه دیوان‌سالاری و حمایت از علوم و بناهای عام‌المنفعه، نقش رهبری خود را در این پروژه عظیم بازتعریف کرد.

۲. روند تأسیس شهر سلطانیه و اهمیت آن

پروژه احداث شهر سلطانیه را باید نمایانگر نوعی تحول بنیادین در سیاست شهرسازی و نماد اقتدار دولت ایلخانی دانست (مینورسکی، ۱۳۷۲: ۳۳-۳۴؛ میرحسینی، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۳؛ ترکمان، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۱۹). اوکین^۶ نیز تأکید می‌کند که سلطانیه پاسخی به نیازهای دولت ایلخانی به نمادسازی اقتدار و شهرسازی نوین بود (۱۹۹۶: ۷۷-۸۰). مقدمات اولیه تأسیس این شهر در عصر ارغون‌خان آغاز شد و در زمان اولجایتو (سلطان محمد خدابنده) طرحی سازمان‌یافته و هدفمند یافت (Blair, 1995: 12/ 45-64). طبق روایت منابع دست اول مانند جامع التواریخ» (فضل الله همدانی، ۱۳۹۳: ۳/ ۲۴۹-۲۵۰)، تذکره الملوک، تاریخ وصاف (وصاف الحضرة، ۱۳۷۲: ۴۷۹-۴۸۰) و ذیل جامع التواریخ (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۷) آورده شده که با مشورت ارکان دولت و نخبگان، مکان ساخت سلطانیه «قنقرولانک» (یا گنقر اولانک / قنقرولانگ / قنقرولانق) به دلیل ویژگی‌های طبیعی، موقعیت استراتژیک و سعادت جغرافیایی انتخاب شد. «... پس از آن که یک روز پیش پدر خود پادشاه ارغون ... حاضر بودم، او را داعیه عمارت سلطانیه بر خاطر خطور کرده بود... همچنان که من پادشاه جهانم، می‌خواهم شهری بنا کنم که آن شاه بلاد بود...

گاهی نام دوازده امام نیز بر حاشیه سکه‌ها دیده می‌شود (شکل ۲) (Album et al., 2000: 10/ 105, Pl. 24, No. 26). البته این تغییر دینی، تنها بعدی معنوی نداشت، بلکه ابزاری برای تعریف تازه‌ای از هویت سیاسی ایلخانی و جلب حمایت گروه‌های ایرانی - به‌ویژه طبقات مذهبی و دیوان‌سالاران - محسوب می‌شد (Lane, 2018: 111-113; Melville, 1999: 135-157, esp. 147; Blair, 1993: 10/ 150-170; Morgan, 2017: 251). رسول جعفریان نیز بر این باور هست که «تغییر مذهب اولجایتو نوعی بهره‌برداری سیاسی برای تثبیت سلطنت و جلب حمایت روحانیون و دیوانیان بود» (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۷۷-۲۷۸).

در متون تاریخی این دوره سرشار از تلاش در بازتعریف نظم حکومتی، تثبیت مشروعیت و توسعه عمرانی ذکر شده است (فضل الله همدانی، ۱۳۹۳: ۳/ ۷۴-۱۲۰؛ وصاف الحضرة، ۱۳۷۲: ۲/ ۲۸۳-۲۸۴؛ وقف‌نامه مدرسه سلطانیه، ۱۳۷۷: ۱۸-۲۱؛ ابن بطوطه، ۱۳۹۱: ۲۵۵-۲۵۶؛ بلر، ۱۳۷۲: ۱۰۵-۱۰۶). پژوهش‌های نوین غربی بر

⁶ O'Kane

Pfeiffer, 2014b: 210-225; Mousavi, ۸۵-۸۰: (2012: 3-21).

هسته سازمان فضایی شهر حول مجموعه عظیم «ابواب‌البر» (شامل آرامگاه اولجایتو، مساجد، مدارس و بناهای عام‌المنفعه) قرار داشت که مقبره واقف (اولجایتو) و اماکن عام‌المنفعه پیرامون آن را شامل می‌شد (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸؛ طالبیان و عباسی، ۱۳۹۲: ۶۲؛ Blair, 2009: 450). موسوی به وضوح این موضوع را طرح می‌کند که «ابواب‌البر» هسته معنایی و کالبدی شهر سلطانی بود (Mousavi, 2012: 14).

آخرالامر، موضع قنقرولانک اختیار کردند» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۷). «و چون این مکان (قنقرولانک) را اطراف خوش بود و مرغزار و آب فراوان و هوا صاف و سعادت جغرافیایی نیز مقرون. لذلک جزم کردند آنجا دارالملک سازند و آن را سلطانیه نام نهادند» (فضل الله همدانی، ۱۳۹۳: ۳ / ۲۴۹-۲۵۰).

شهر سلطانیه بر پایه الگوهای ترکیبی «شهر-مرتع» و «شهر - واحه» بنا نهاده شد؛ این الگوها، ضمن پاسخ به نیازهای ایلیاتی، بدنه اداری و مذهبی را نیز پوشش می‌دادند (میرحسینی، ۱۳۹۵: ۵۸-۶۳؛ مرادی و همکاران، ۱۴۰۰).



شکل ۳: نمای سلطانیه اثر نضوح مطراقچی، در بیان منازل سفر عراقین سلطان سلیمان، ۱۴۵۷: برگ ۲۲ب. آرشیو توپقاپی سرا

مقایسه می‌کند. او به نقش این شهرها در کنترل تجارت، نمایش اقتدار و پیوند الگوهای ایرانی - آسیایی و سنت‌های بومی با مضامین مغولی اشاره دارد (Blessing, 2022: 95)، که در هر سه مورد، کنترل تجارت، نمایش اقتدار، و پیوند سنت‌های بومی با میراث مهاجمان خارجی در محوریت قرار داشته است. «همانند پکن دوران یوان و قاهره‌ی فاطمی، سلطانیه نمایانگر یک تجربه شهرسازی هدفمند بود؛ جایی که نظم‌دهی به تجارت، نمایش اقتدار امپراتوری و تلفیق سنت‌های بومی و بیگانه اهمیت اساسی داشتند.» (Kolbas, 2006: 128).

در نتیجه، سلطانیه تجسم رویکرد کلان ایلخانان در همگرایی قدرت سیاسی، نیازهای ایلیاتی، و تاثیر شبکه راه‌های فرمانطقه‌ای بود. شهری که با برنامه‌ریزی آگاهانه و بهره‌گیری از تجارب چندفرهنگی، هم پاسخگوی تحول دولت‌سازی ایلخانی شد و هم با پیوند جغرافیا و سیاست، در تاریخ شهرسازی جهان اسلام جایگاهی ممتاز یافت.

معرفی و تحلیل سکه‌ها

پژوهش پیرامون سکه‌های مسی منسوب به شهر سلطانیه، ضرب سال ۷۱۳ هجری قمری و دوره سلطنت اولجایتو، نشان می‌دهد که این سکه‌ها در میان مجموعه گسترده مسکوکات ایلخانی جایگاهی بسیار خاص دارند. از رهگذر جستجوهای میدانی و بررسی آرشیو چندین موزه معتبر در ایران (از جمله موزه آستان قدس رضوی، موزه بانک سپه، موزه ملی ایران و موزه ملی ملک)، مشخص شد تنها یک نمونه از این سکه‌ها در موزه ملی ملک تهران با شماره اموال ۲۰۰۰/۰۶/۰۰۳۷۱ نگهداری می‌شود و دیگر موزه‌های یادشده فاقد نمونه مشابه هستند. موانع دسترسی کامل به مجموعه‌های داخلی و فقدان نمونه‌ها در آرشیوهای ایرانی باعث شد پژوهشگران به جستجو در کاتالوگ‌های خارجی و خصوصاً حراجی معتبر استفان آلوم^۷ روی آوردند. در نتیجه، چهار نمونه دیگر از این سکه‌ها در آرشیو حراجی استفان آلوم در شماره‌های ۱۴/۶۹۹، ۱۸/۶۸۰، ۲۴/۵۱۰ و

اهمیت سلطانیه، فراتر از معماری و مهندسی مبتکرانه‌اش، به‌طور بنیادین با نقشه‌ای از پیش طراحی‌شده و جایگاه منحصربه‌فردش در شبکه راه‌های ایران و اوراسیا پیوند خورده است. ساخت این شهر در دشتی مرتفع واقع در مسیر یکی از شاخه‌های اصلی جاده ابریشم، کاملاً آگاهانه و بر اساس هم‌سویی نیازهای ایلات مغول و سیستم سنتی شهرسازی ایرانی صورت گرفت. اطلاعات متون تاریخی تأکید دارد که انتخاب محل سلطانیه با مشورت رجال بلندپایه و متخصصین عصر انجام گرفت تا شهری باشد «که آن شاه بلاد بود» و هم از نظر امنیت طبیعی و هم دسترسی به راه‌های تجاری، ممتاز باشد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۷؛ فضل الله همدانی، ۱۳۹۳: ۳/۲۴۹-۲۵۰؛ وصاف الحضره، ۱۳۷۲: ۴۷۹-۴۸۰؛ محمدی و مظفری، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۷).

مطالعات تاریخی نوین نیز این نکته را برجسته می‌کنند که سلطانیه یکی از معدود پایتخت‌های عصر میانی ایران است که به‌صورت هدفمند و پیش‌بینی‌شده طراحی و احداث شد. الگوی فضایی این شهر طوری چیده شد که هم پاسخگوی سازمان سیاسی و تجمع قدرت حکومتی (به‌ویژه تمرکز حول مجموعه عظیم آرامگاه اولجایتو) و هم تدارک بین زیرساخت‌های اقتصادی و رفاهی برای جمعیت ایلی و شهری باشد (طالبیان و عباسی، ۱۳۹۲: ۶۱؛ مرادی و همکاران، ۲۰۲۱: ۸۲؛ Pfeiffer, 2014: 68؛ Mousavi, 2012: 10).

از دیگر ابعاد کلیدی سلطانیه، نقش ژئوپولیتیک و استراتژیک آن بود: این شهر در نقطه تلاقی راه‌هایی قرار داشت که ری را به آذربایجان، عراق عجم، شمال غرب ایران، و حتی آسیای مرکزی متصل می‌کرد (محمدی و مظفری، ۱۳۹۸: ۲۷). موقعیت این شهر کاملاً با سیاست ایلخانان برای کنترل مسیرهای تجارت جهانی، انتقال نیرو و امکانات، و نمادسازی اقتدار جدید هم‌سویی داشت.

الگوهای شهرسازی سلطانیه با نمونه‌های پایتخت‌های از پیش طراحی شده دیگر نیز مقایسه شده است. پل‌سینگ صراحتاً نمونه‌های پیش‌طراحی‌شده پایتخت‌ها در آسیا را (از جمله پکن عصر یوان، قاهره فاطمی و سلطانیه ایلخانی)

⁷ Stephen Album Auctions

سکه‌ها را یادمان تأسیس شهر جدید سلطانیه می‌داند، هرچند برای این مدعا مستندی صریح ارائه نکرده است. وجود تفاوت‌های آشکار در نوشته‌ها و نقوش، فرم بدنه، وزن، عناصر تصویری و حتی فن ضرب در این سکه‌ها باعث شده تا جایگاه پژوهشی آن‌ها در تاریخ فرهنگ مادی، فراتر از یک نمونه عادی و در پیوند صریح با واقعه تأسیس سلطانیه تحلیل شود؛ به‌گونه‌ای که نه فقط جغرافیای ضرب، بلکه نوآوری بصری، کارکرد نمادین و زمینه تاریخی نیز در تفسیر علمی آنها دارای اهمیت ویژه است.



شکل ۴: نمونه ۱ (شماره ۱) شماره اموال موزه ملی ملک:

۲۰۰۰/۰۶/۰۰۳۷۱

ویژگی‌های ظاهری و جزئیات خاص

نوشته‌ها:

نمونه ۱: «عدل شهر سلطانیه» (روی سکه) و «طالع سال

عقرب سنه ۷۱۳» (پشت سکه)

نمونه ۲: «فلوس شهر مبارک سلطانیه» (روی سکه) و «فی

شهور سنه ۷۱۳» (پشت سکه)

شیوه درج سال:

سال ضرب سکه بر خلاف سنت رایج اسلامی به صورت

عددی (۷۱۳) روی سکه نقش شده است.

این ویژگی در سکه‌های ایرانی کاملاً بی‌سابقه است (حتی

سکه آل ارتق).

۲۶/۵۳۴ شناسایی شد که مجموعاً پنج قطعه مستند از دو تیپ مجزا را در اختیار تحلیلگران قرار می‌دهد.

از حیث شکل و متن، این سکه‌ها به دو گروه شاخص تقسیم می‌شوند. گروه نخست متشکل از سه نمونه است که عبارت «عدل شهر سلطانیه» بر یک سوی سکه و عبارت «طالع سال عقرب سنه ۷۱۳» بر سوی دیگر آن ضرب شده است. محل ضرب این سکه‌ها طبق کتیبه سلطانیه و همه متعلق به سال ۷۱۳ ه‍.ق هستند. وزن سکه‌های قابل بررسی در این گروه ۳/۴۷ و ۴/۵۴ گرم ثبت شده است (شکل‌های ۴، ۵ و ۶). در گروه دوم، که دو نمونه را شامل می‌شود، سوی روی سکه با عبارت «فلوس شهر مبارک سلطانیه» و پشت سکه با عبارت «فی شهر سنه ۷۱۳» همراه است. در این گروه، افزون بر متن، یک عقرب کوچک نیز در پشت سکه نقش بسته و وزن قطعات ۷/۱۳ و ۷/۹۱ گرم گزارش شده است (شکل‌های ۷ و ۸).

از ویژگی‌های متمایز هر دو گروه، نخستین بار استفاده از شیوه نگارش سال به صورت عددی (۷۱۳) است که در تاریخ سکه‌زنی اسلامی ایران بی‌سابقه می‌نماید. جستجوی تطبیقی پژوهشگران نشان داد اگرچه سکه‌ای از خاندان آل ارتق با تاریخ عددی شناخته شده است، اما چون سلسله آل ارتق جزو حکومت‌های ایرانی محسوب نمی‌شود، سکه‌های سلطانیه در واقع نخستین نمونه ایرانی با این شیوه محسوب می‌شوند. تمام کتیبه‌ها در هر دو گروه با خط کوفی رایج در سکه‌های ایلخانی ضرب شده‌اند.

در بُعد فیزیکی، سکه‌های گروه نخست فاقد هرگونه سوراخ مرکزی هستند اما در مرکز آن‌ها دایره‌ای توپر نقش بسته است (شکل‌های ۴، ۵ و ۶). در مقابل، سکه‌های گروه دوم کاملاً متفاوت و با الگوبرداری مستقیم از سکه‌های چینی سلسله‌های تانگ، سونگ و یوان، دارای یک سوراخ هشت‌ضلعی در مرکز و نقشی از عقرب بر پشت سکه هستند (تصاویر ۷ و ۸)؛ ویژگی‌ای که در مسکوکات ایرانی پیش از این هرگز دیده نشده است. استفان آلبوم در توضیحات خود بر کاتالوگ این سکه‌ها نیز تفاوت ساختاری و طرح قالب‌ریزی چینی آنها را یادآور شده است و ضرب این

نمادها و نقش‌ها:

وجود سوراخ هشت ضلعی یا دایره توپر پیش از این در سکه‌های ایرانی و حتی سایر مسکوکات ایلخانی سابقه ندارد.

وزن:

نمونه اول: ۳/۴۷ و ۴/۵۴ گرم (وزن دقیق نمونه موزه ملک اعلام نشده)

نمونه دوم: ۷/۹۱ و ۷/۱۳ گرم

ضخامت در هیچ نمونه قابل اندازه‌گیری نبوده است.

خط:

خط مورد استفاده کوفی است که با خط رایج مسکوکات ایلخانی تطابق دارد.

نمونه دوم (شماره ۴ و ۵) بر روی پشت، نقش عقرب دارد، در حالی که در نمونه اول فقط عبارت «طالع سال عقرب» آمده و نقش تصویری وجود ندارد.

فرم فیزیکی:

نمونه دوم (۴ و ۵): دارای سوراخ هشت ضلعی در مرکز،

سبک سکه‌های چینی (یوان، سونگ، تانگ).

نمونه اول (۱، ۲، ۳): دارای دایره توپر مرکزی است و فاقد سوراخ مرکزی است.



شکل ۵: نمونه ۱ (شماره ۲) (Stephen Album 14. NO.699)



شکل ۶: نمونه ۱ (شماره ۳) (Stephen Album 26. NO.534)

جدول ۱: توصیف سکه‌ها نمونه اول، تصاویر ۴، ۵ و ۶

شماره	محل نگهداری	حکمران	روی سکه	پشت سکه	محل ضرب	سال ضرب	جنس	وزن (گرم)
۱	ملک (۲۰۰۰/۰۶/۰۰۳۷۱)	اولجایتو	عدل شهر سلطانیه	طالع سال عقرب سنه ۷۱۳	سلطانیه	۷۱۳	مس	-
۲	S. Album 14.699	اولجایتو	عدل شهر سلطانیه	طالع سال عقرب سنه ۷۱۳	سلطانیه	۷۱۳	مس	۳/۴۷
۳	S. Album 26.534	اولجایتو	عدل شهر سلطانیه	طالع سال عقرب سنه ۷۱۳	سلطانیه	۷۱۳	مس	۴/۵۴



شکل ۷: نمونه ۲ (شماره ۴) (Stephen Album 18. NO.680)



شکل ۸: نمونه ۲ (شماره ۵) (Stephen Album 24. NO.510)

جدول ۲: توصیف سکه‌ها نمونه دوم، تصاویر ۷ و ۸.

شماره	محل نگهداری	حکمران	روی سکه	پشت سکه	محل ضرب	سال ضرب	جنس	وزن (گرم)
۴	S. Album 18.680	اولجایتو	فلوس شهر مبارک سلطانیه	فی شهر سنه ۷۱۳	سلطانیه	۷۱۳	مس	۷/۹۱
۵	S. Album 24.510	اولجایتو	فلوس شهر مبارک سلطانیه	فی شهر سنه ۷۱۳	سلطانیه	۷۱۳	مس	۷/۱۳

تحلیل نمادها، عبارت‌ها و عناصر ظاهری

سکه‌های مسی دوره ایلخانی اولجایتو با عبارت‌ها «عدل شهر سلطانیه» و «فلوس شهر مبارک سلطانیه» نمونه‌های برجسته‌ای از تلفیق سیاست، نمادشناسی و تبلیغات فرهنگی محسوب می‌شوند که نه تنها تأسیس سلطانیه را یادگار می‌گیرند، بلکه ماهیت دوگانه قدرت ایلخانان مغولی (هماهنگی با سنت‌های اسلامی - ایرانی و اقتباس‌های چینی-مغولی) را نمایان می‌سازند.

۱- «عدل شهر سلطانیه»: مشروعیت سیاسی - اقتصادی و کیهان‌شناختی

عبارت «عدل شهر سلطانیه» - بنا بر تحلیل پژوهشگرانی چون وودز^۸ (۱۹۹۳) و بلر^۹ (۱۹۹۸) - بیانیه‌ای نمادین از مشروعیت و نمایش سلطنت عادلانه تلقی می‌شود که در شکل‌گیری هویت پایتخت جدید ایلخانی نقشی اساسی داشته است. به کارگیری واژه «عدل»، که همزمان با سال ۷۱۳ هجری قمری (۱۳۲۴ میلادی) بر سکه‌های سلطانیه نقش بسته، حامل معانی چندلایه است. والتر هینتس (۱۳۴۶: ۱۳) بیان می‌کند که این واژه در سکه‌شناسی به معنای «سکه رایج و معتبر» نیز به کار می‌رفته است؛ افزون بر این، جان وودز (۱۹۹۳: ۱۱۹) و همچنین بارتلت^{۱۰} (۱۹۵۱) تأکید دارند که ذکر «عدل» به‌عنوان صفت اصلی شهر تازه‌تأسیس سلطانیه، منعکس‌کننده تلاش ایلخانان برای تثبیت مشروعیت سیاسی آنان بوده است.

بنابراین، این انتخاب را می‌توان واجد دو کارکرد عمده دانست:

- **سیاسی - اقتصادی:** «عدل» می‌تواند بر برابری، انصاف، و اعتماد دلالت داشته باشد. در فرهنگ‌نامه‌های فارسی و عربی (معین، ۱۳۷۵: ۳/۳۹۶۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰/۱۵۷۶۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ق: ۱۱/۴۲۱؛ معلوف، ۱۹۸۶: ۵۸۸)، این واژه با مفاهیمی چون «برابری» و «معاذل بودن» تعریف شده است. احتمالاً سکه سلطانیه - با اشاره به «عدل» بر روی آن - حامل این پیام بوده که واحد پول جدید، نمایانگر عدالت و برابری است و می‌تواند اعتماد مردم به پایتخت تازه را تقویت کند.

- **کیهان‌شناختی:** هم‌نشینی «عدل» - که در سخن نصیرالدین طوسی «سبب نظام عالم» است (۱۳۷۰: ۳۴) - با «عقرب»، که نزد ابوریحان بیرونی و در متون نجومی «برج فتن و دشمنی و فساد و آشوب» شمرده می‌شود (۱۳۵۲: ۱۶۱)، القاکننده‌ی تقابل نظم/ بی‌نظمی، خیر/ شر، یا «عدالت در میان آشوب» است. به عبارت دیگر، هم‌نشینی واژه عدل با طالع سال عقرب، به‌ویژه در ذهنیت دوره ایلخانی، می‌تواند نمادی از امید به استقرار دادگری و نظم در سالی باشد که بنا بر باورهای نجومی، دارای طالع ناخوشایند و بحرانی است؛ به بیان دیگر، عدل سپری است در برابر پریشان‌حالی و ناگواری‌های ستاره‌ای عقرب. از سوی دیگر، ذکر صریح برج عقرب، هم نشانه‌ای نجومی و هم انتخابی آگاهانه برای پیوند دادن تأسیس سلطانیه با ترتیبات کیهانی به شمار می‌رود (Kriml, 2021: 221).

واکر (۲۰۱۶: ۱۲۷) این توجه به علائم نجومی را ابزاری آیینی برای توجیه تقدس و زمان‌بندی ضرب سکه و تأسیس شهر می‌داند. در پژوهش‌های جدید، نماد عقرب بر

⁸ Woods

⁹ Blair

¹⁰ Bartlett

است؛ هدفی فراتر از صرفاً نمایش اقتدار یا قدرت سیاسی. همچنین، درج واژه «مبارک» هرچند می‌تواند متأثر از سنت مغولی - چینی فُ لُس (福) — به معنای خوشبختی، همانند سکه‌های سلسله یوان — باشد، فقط بار مذهبی ندارد بلکه کارکردی ایدئولوژیک نیز می‌یابد: شهر سلطانیه نه صرفاً یک پایتخت نظامی، بلکه جامعه‌ای «فرخنده‌روز» و هماهنگ با نظم کیهانی معرفی می‌شود. طراحی این سکه‌ها برای مصارف روزمره مردم، نشان‌دهنده تمایز هدمند ضربات آیینی و رسمی با سکه‌های ارزشمندتر است (Album, 2014, no. 534; Miles, 1967: 241).

بر اساس تحلیل واکر (۲۰۱۶) و وودز (۲۰۲۳)، ضرب این نوع سکه‌ها — که محل ضرب (شهر سلطانیه)، سال و حتی نشانه‌های طالع به‌وضوح بر آن‌ها نقش بسته است — در حکم یک مانیفست سیاسی و نشانه‌ای از آغاز حکومتی نو با تجلی در قدرت عینی شهرسازی محسوب می‌شود. کریمل (۲۰۲۱: ۲۲۵) نیز این سکه‌ها را «رساله‌ای تصویری و رمزگذاری‌شده» در آیین تأسیس شهر تلقی کرده و برجستگی نمادها را پیام‌های رمزی برای نهادینه‌سازی اسطوره شهری سلطانیه می‌داند.

۳- طرح‌های بصری: سوراخ هشت‌ضلعی و خط کوفی در تعامل فرهنگی

تفاوت ظاهری عمده میان دو گروه سکه در قالب‌بندی هنری آنها بازتاب یافته است. سکه‌های دارای سوراخ هشت‌ضلعی، به‌وضوح نشان‌دهنده تأثیر مستقیم از سکه‌های سلسله‌های چینی چون تانگ، سونگ و یوان هستند. استفاده از فرم سوراخ هشت‌ضلعی، تقلیدی آشکار از سنت ضرب سکه در این سلسله‌ها بوده و به‌گفته جولین ربی^{۱۲} (۲۰۱۲) و ادوارد واکر (۲۰۱۶)، نشانه‌ای از شبکه ارتباطی ایلخانان با جهان اوراسیا و سیاست همسان‌سازی پولی و فضایی در دوره توسعه سلطانیه است. آل‌بوم نیز در Auction 18, No. 680، این سکه‌ها را «سکه‌ای چینی با سوراخ هشت‌ضلعی و نقش عقرب برای یادبود تأسیس

سکه‌های ایلخانی گاه به عنوان اشاره‌ای به قدرت و سیطره در زمینه مغولی و نیز با معانی حکمت یا داد در سنت ایرانی - اسلامی تفسیر شده است؛ هرچند این برداشت‌ها عمدتاً تحلیلی و مبتنی بر مطالعات تطبیقی پژوهشگران معاصر است و منابع دست‌اول به صراحت چنین کاربردهایی را ذکر نکرده‌اند (Allsen, 2001: 143-144; Kriml, 2021: 221, 226; Walker, 1956: xxvii, xliii). نشان می‌دهد که سکه‌ها به گونه‌ای طراحی شده بودند که برای مخاطبان گوناگون؛ هم اقلیت مغولی حکومتی و هم اکثریت ایرانی تجاری، پیام‌هایی معنادار داشته باشند.

یکی از نکات برجسته و نوآورانه در ضرب سکه‌های سلطانیه، درج سال عددی «۷۱۳» است که برای نخستین بار در سکه‌های اسلامی ظاهر می‌شود. استفان آل‌بوم (Auction 14, No. 699) بر این نکته تأکید می‌کند که «جدید بودن این شیوه، از نوآوری ویژه‌ای حکایت دارد که ایلخانان در پیش گرفتند». به‌کارگیری این سیستم عددی، نه صرفاً یک تصمیم هنری، بلکه بازتابی از اقتباس ساختارهای اداری چینی - مغولی است که در آن، تقویم عددی و ثبت سال در مدیریت و امور مالیاتی امپراتوری (مانند شیوه‌های رایج در سلسله یوان) متداول بوده است (Boyle, 1971: 143-146; 150-153; Allsen, 2001: 347-350).

۲- «فلوس شهر مبارک سلطانیه»: محبوب‌سازی و مانیفست سیاسی

سکه «فلوس» با وزن بالاتر (۷/۹ گرم در مقایسه با سکه‌های گروه نخست) دارای کارکرد اجتماعی متفاوتی است. کندی^{۱۱} (۲۰۲۲: ۸۸) تصریح می‌کند که عبارت «پول خرد شهری» نقش این سکه را در گردش عمومی مشخص می‌سازد و آن را نشانه‌ای از سیاست جامعه‌محور ایلخانان می‌داند. او تأکید دارد که به‌کارگیری صریح واژه «فلوس» بیانگر هدف ضرب این سکه برای نیازهای مبادلاتی و روزمره شهروندان هنگام بنیادگذاری شهر بوده

¹² Julian Raby¹¹ Kennedy

هجری قمری (۱۳۲۴ میلادی) به عنوان «مرکزی متعالی برای دنیای اسلامی - مغولی» مطرح شده بود. سکه‌های سلطانیه با سایر سکه‌های ایلخانی از نظر محتوای نوشته‌ها، نقش‌ها، و روش تاریخ‌نویسی متفاوتند (Walker, 2023 : 134-139; Bates, 2022 : 158-165;) (Raby, 2012 : 189-210).

جدول ۳: تفاوت‌های بین سکه‌های سلطانیه و سایر سکه‌های ایلخانی

ویژگی	سکه‌های سلطانیه (۷۱۳ ه‍.ق)	سکه‌های سایر دوره‌های ایلخانی
محتوای نوشته‌ها	استفاده از عبارت‌ها غیرمذهبی: «عدل شهر سلطانیه»، «فلوس شهر مبارک سلطانیه»	غالب سکه‌ها شامل عبارت‌ها دینی (مثل «الله اکبر») یا القاب حکومتی (مثل «سلطان عادلین») هستند.
نحوه نوشتن سال	استفاده از عدد «۷۱۳» به جای حروف ابجد (نخستین نمونه در سکه‌های اسلامی)	سال‌ها معمولاً با حروف ابجد (مثل «تَشَرَّق») برای ۷۲۰ ه‍.ق ثبت می‌شدند.
نقش‌های بصری	نقش عقرب، سوراخ هشت‌ضلعی، و فشرده‌گی بیشتر طراحی	نقش‌های رایج اسلامی (چهارچوب‌های گیاهی یا کتیبه‌های خطی دوقطه‌ای)
کاربرد اقتصادی	طراحی‌های منحصر به فرد برای گردش عمومی (فلوس) و استدلال سیاسی (عدل)	بیشتر به عنوان سکه‌های رسمی با کاربرد اقتصادی بدون تعبیر سیاسی و یا نمادین عمیق

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که سکه‌های سلطانیه با اهدافی ویژه ضرب شده‌اند:

نخست، عبارت‌هایی مانند «عدل» بر روی سکه‌ها هم به مفهوم اعتبار اقتصادی (استاندارد بودن واحد پول) و هم به معنای مشروعیت سیاسی و اعلام عدالت حاکمان به کار رفته است.

دوم، استفاده از نقش‌هایی مانند عقرب و سوراخ هشت‌ضلعی، حامل پیام‌های نمادینی بود که به‌ویژه با هدف گرمایی داشت تأسیس شهر جدید سلطانیه طراحی شدند.

پایتخت ایلخانی» توصیف می‌کند. در مقابل، به‌کارگیری مداوم خط کوفی با مضامین اسلامی در کنار طرح‌های برگرفته از سنت چینی، بازتابی از مواجهه و تعامل هویتی ایلخانان با میراث هنری اسلامی است.

بلر^{۱۳} (۱۹۹۸: ۳۴۶) این دوگانگی را به‌عنوان مذاکره‌ای پیچیده با سنت اسلامی تفسیر کرده و تأکید دارد که نقش خطوط و قاب‌بندی‌ها، افزون بر جنبه زیبایی‌شناسی، عملکرد هویتی و سیاسی دارند (Blair, 1998 : 343-350). همچنین بارتلت^{۱۴} (۱۹۵۱: ۲۵۵) بر این باور است که استفاده از استعاره‌ها، تزئینات و نمادهایی همچون گل و ستاره در کنار عنوان سلطانیه، جزئی از کدهای ارتباطی و نشانه‌های آغاز عصری نوین در تاریخ شهری ایلخانان به شمار می‌آید.

۴- تفسیر نهایی: سکه‌ها به عنوان اسناد زنده ایدئولوژیک

سکه‌های سلطانیه به نظر می‌رسد بیش از «یادبود تأسیس» هستند. خط کوفی در هر دو نمونه نشانه‌ای از پیوستگی با سنن بلندمدت هنری ایرانی و هویت‌سازی فرهنگی دوره ایلخانی است (Blair, 1998 : 343).

وودز (۲۰۲۳: ۱۵۲) آنها را «کنشی نمایشی از قدرت پولی و نمادین» می‌خواند. این سکه‌ها با به‌کارگیری:

- عبارت‌های غیردینی (بی‌ذکر القاب شاهانه)،
- تلفیق سنت اسلامی (خط کوفی) با هنر چینی (سوراخ هشت‌ضلعی)،

- نوآوری‌های سال‌نویسی عددی و نمادهای نجومی،
- و تخصیص نقش‌های مختلف «(عدل) برای برجسته‌سازی سکه رایج و «فلوس» برای توزیع جمعی)،

به یک استراتژی تحلیلی وسیع در ساختاردهی هویت شهری و حکومتی تبدیل می‌شوند. این فرایند نماینده استحکام بخشی حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی ضروری برای تثبیت یک پایتخت جدید است که در سال ۷۱۳

¹³ Blair

¹⁴ Bartlett

بحث و ارزیابی فرضیه

۱- هم‌خوانی عناصر سکه با تأسیس شهر جدید

سکه‌های مسی مورخ ۷۱۳ ه‍.ق در دو دسته‌بندی «عدل» شهر سلطانیه» و «فلوس شهر مبارک سلطانیه» دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که ارتباطشان با تأسیس شهر سلطانیه را به‌عنوان پایتخت جدید مغولان ایران محتمل می‌کند. دسته اول سکه‌ها با عبارت «عدل شهر سلطانیه» بر رُخ سکه و «طالع سال عقرب سنه ۷۱۳» بر پشت آن، به‌همراه دسته دوم با عبارت «فلوس شهر مبارک سلطانیه» و «فی شهر سنه ۷۱۳»، دارای سه ویژگی کلیدی هستند: نخست، نوآوری در نوشتن سال تاریخ‌نگاری به صورت عدد ۷۱۳ که در سکه زنی اسلامی سابقه ندارد؛ دوم، استفاده از نقش طبیعی «عقرب» در کنار سال نجومی، نماد تلفیق نجوم مغولی - ایرانی؛ و سوم، طراحی سوراخ هشت‌ضلعی در برخی از آنها که به سنت‌های چینی (مانند سکه‌های سلسله‌های سونگ و یوان) بازمی‌گردد. این عناصر، همراه با انتخاب واژگان «مبارک» و «عدل» که بیانگر مشروعیت سیاسی و دینی شهر می‌شود، نشانه‌های گسترده‌ای از سیاست نمادین ایلخانان هستند. به‌ویژه اینکه اولجایتو (حک: ۷۰۳-۷۱۶ ه‍.ق) در تأسیس سلطانیه نه تنها هدف عمرانی داشت، بلکه قصد تثبیت «هویت چندفرهنگی» و نمادین‌سازی از تسلط مغولان بر اسلام غرب آسیا را نیز دنبال می‌کرد.

۲- مقایسه با سکه‌های چینی و ایلخانان سایر دوره‌ها

تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی سکه‌های سلطانیه، نسبت به سایر ضرابخانه‌های منطقه، اهمیت فرضیه‌ی نقش ویژه این سکه‌ها را دوچندان می‌کند. استفاده از سوراخ هشت‌ضلعی در سکه‌های شماره ۴ و ۵، الگوبرداری آشکاری از سکه‌های دایره‌ای چینی (مانند یوآن بائو سلسله سونگ، ۱۱۰۱ میلادی) است که با ترکیب خط کوفی و نماد نجومی عقرب، منحصر به فردی این سکه‌ها را تقویت کرده است. علاوه بر این، حذف القاب مذهبی رایج مانند «الله اکبر» که در دیگر سکه‌های ایلخانی دیده می‌شود،

نشان‌دهنده تمرکز بر اهدافی خاص همچون مشروعیت‌بخشی سیاسی و نجومی به شهر جدید سلطانیه است. همچنین نوآوری در نظام تاریخ‌نگاری (تاریخ‌نویسی عددی به جای ابجدی) و ارجاع به «طالع عقرب» به‌جای سال ابجدی، بیانگر این است که سکه‌های سلطانیه فقط ابزار مبادله نبوده، بلکه نقش «رسانه‌ای نمادین» را نیز ایفا می‌کرده‌اند. همین ویژگی‌ها، سکه‌های سلطانیه را در مقایسه با ضرب‌های دیگر ایلخانان، از جنبه‌های هنری، سیاسی و ایدئولوژیک برجسته و متمایز می‌سازد.

۳- ارزیابی دیدگاه‌ها: تحلیل استفان آلبوم در برابر شواهد منسجم

استفان آلبوم در فهرست فروش خود (Auction 14-26) ادعا می‌کند که این سکه‌ها به مناسبت جشن تأسیس شهر سلطانیه ضرب شده‌اند، اما این گفته را نه بر پایه اسناد تاریخی، بلکه صرفاً با تطبیق بصری با سکه‌های یادبودی چینی مطرح می‌کند. با این حال، به دلیل نبود شواهد مستدل تاریخی (مانند گزارشی در «تاریخ و صاف» یا «جامع التواریخ») این فرضیه همچنان نیازمند تأیید است. همچنین، وجود اختلاف میان تاریخ تأسیس شهر (۷۱۰-۷۱۶ ه‍.ق) و سال ضرب سکه‌ها (۷۱۳ ه‍.جری)، احتمال می‌دهد که ضرب این سکه‌ها بیشتر با رویدادهای سیاسی و ارتقای جایگاه سلطانیه به پایتخت رسمی، نه صرفاً بنای فیزیکی شهر، در ارتباط باشد. از سوی دیگر، عدم کشف سکه‌هایی مشابه در سایر شهرهای ایلخانی مانند تبریز، بر منحصر به فرد بودن این نمونه‌ها و پیوند آن‌ها با سیاست فرهنگی اولجایتو تأکید می‌کند. در نهایت، هرچند استدلال آلبوم از نظر تاریخی کامل نیست، اما تطابق عناصر نمادین (ادغام نشانه‌های چینی، ایرانی و مغولی) و کاربرد تقویم نجومی، اعتبار فرضیه «ضرب سکه به مناسبت تأسیس سلطانیه» را تقویت می‌کند.

سکه‌های سلطانیه با داشتن عناصری بی‌سابقه در میان سکه‌های اسلامی و ایلخانی — مانند درج سال به صورت عددی، سوراخ هشت‌ضلعی، و ترکیب نمادهای چینی و ایرانی — به‌روشنی نشان می‌دهند که ضرب این سکه‌ها

برای رویدادهای شهری در سایر فرهنگ‌ها، فرضیه ضرب این سکه‌ها به مناسبت تأسیس سلطانیه را بسیار متقاعدکننده می‌سازد.

این یافته‌ها اهمیتی فراتر از شناخت صرف دو نمونه سکه مسی دارند. اولاً، تحلیل عمیق این نمونه‌های خاص، پنجره‌ای تازه به سیاست‌های فرهنگی، هویتی و اقتصادی ایلخانان می‌گشاید و ابعاد مغفول‌مانده‌ای از تعاملات تمدنی ایران، جهان اسلام و شرق آسیا را نشان می‌دهد. ثانیاً، این سکه‌ها نمونه‌ای برجسته از بهره‌گیری آگاهانه از نمادها، نشانه‌ها و قالب‌های فرمانطقه‌ای در سیاست‌گذاری عصر ایلخانی به شمار می‌روند — به گونه‌ای که هم در پیام‌های هویتی (مانند عدالت، مشروعیت شهری، و اتحاد فرهنگی) و هم در کاربردهای اقتصادی - اجتماعی (مانند رواج کاربری واژه «فلوس» و توسعه مبادلات روزمره) قابل تحلیل هستند.

در نگاه سکه‌شناسانه نیز، نوآوری‌های این ضرب‌ها همچون کاربرد نخستین تاریخ عددی و تزئین سوراخ هشت ضلعی بر ساختار سکه‌های اسلامی، افق‌های تازه‌ای در تاریخ ضرب پول اسلامی آشکار می‌سازد. سکه‌های سلطانیه نماد نوعی گذار از سکه‌زنی صرفاً مذهبی - مناسبتی به پروژه‌های هویت‌سازی شهری و قدرت‌نمایی سیاسی - نشانه‌ای تلقی می‌شود که اثراش در تاریخ سکه‌شناسی ایران و دنیای اسلام تا سال‌های بعد باقی ماند.

درنهایت، این پژوهش نشان داد که از طریق آسیب‌شناسی و تحلیل تطبیقی حتی نمونه‌های محدود سکه، می‌توان به کلان‌روایت‌ها و طرح‌های بنیادین دولتی عصر ایلخانان پی برد و به تلفیق و تضارب فرهنگ‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اقتدارطلبانه آن دوره تاریخی دست یافت.

منابع

ابن بطوطه (۱۳۹۱). رحله ابن بطوطه، ترجمه حسین سعیدی. تهران: نی.

فراتر از کارکرد صرفاً پولی، حامل پیام‌های نمادین و ایدئولوژیک بوده است. هماهنگی این عناصر با رویدادهای مربوط به تأسیس شهر، مانند اهمیت نجومی نماد عقرب در سال ۷۱۳ هجری و تلفیق فرهنگ‌های مغولی، چینی و ایرانی، ارتباط این سکه‌ها با تأسیس سلطانیه را محکم‌تر می‌سازد. هرچند نبود منابع تاریخی مستند، مانند فرمانی از سوی اولجایتو یا اشاره‌ای در سالشمارهای این دوره، مانع از قطعیت این تفسیر است، اما همگرایی شواهد بصری، تطبیقی و متنی — از جمله تفسیر واژه «عدل» به معنای «سکه رایج» — دامنه قابل قبولی برای این فرضیه فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی تحلیل‌ها نشان می‌دهد که سکه‌های مسی منسوب به سلطانیه، ضرب سال ۷۱۳ هـ ق و منقوش به عبارت‌ها «عدل شهر سلطانیه» و «فلوس شهر مبارک سلطانیه»، در واقع نمایانگر پروژه‌ای نمادین برای تثبیت هویت و موقعیت شهر سلطانیه به عنوان پایتخت جدید عصر اولجایتو هستند. ترکیب بی‌سابقه عناصر بصری و متنی روی این سکه‌ها — مانند درج مستقیم سال با عدد، کاربرد نشانه‌های نجومی و سوراخ هشت‌ضلعی با الهام از سنن چینی — تمامی نشان‌دهنده ماهیت ویژه این ضرب‌هاست؛ ماهیتی که صرفاً به کارکرد اقتصادی یا مبادلات روزمره محدود نمی‌شود، بلکه نشانه‌ای از تلاش حاکمان ایلخانی برای نمایش سیاست‌ها و پیام‌های چندلایه هویتی و مشروعیت‌دهنده است.

تحلیل شواهد تطبیقی با سکه‌های سایر دوره‌ها و مناطق هم‌افق، به‌ویژه سکه‌های چینی و نمونه‌های رایج ایلخانی، همچنین فقدان عبارت‌ها رایج مذهبی بر این سکه‌ها، فرض مناسبت‌داشتن ضرب آنها با رویدادی خاص — نظیر رسمی شدن یا تأسیس نمادین سلطانیه به عنوان شهر پایتخت — را تقویت می‌کند. اگرچه اسناد مستقیم هم‌زمان مانند فرمان رسمی ضرب سکه یا اشاره صریح در تاریخ‌نگاری‌های دوره کشف نشده، اما اجماع نسبی شواهد، یافته‌های متنی و مشابهت تطبیقی با سنت‌های ضرب سکه

کاشانی، عباس بن علی (۱۳۴۸). تاریخ اولجایتو. به کوشش محمد معین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محمدی، ستار، و مظفری، فاطمه (۱۳۹۸). روند شکل‌گیری شهر سلطانیه در دوره ایلخانی. پژوهشنامه تاریخ اسلام، ۱۶(۲)، ۲۵-۴۰.

مرادی علیرضا، غفاری، زهرا، اسماعیل زاده، محمد (۱۴۰۰). الگوهای ترکیبی سکونت‌ی سلطانیه: پیوند سنت‌های ایلپاتی و مدیران شهری. مطالعات محیطی ایران، ۱۴، ۷۶-۸۷.

مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لیسترنج. تهران: دنیای کتاب.

مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۳۶). ظفرنامه. به کوشش نذیر احمد. تهران: کتابخانه فردوسی.

معلوف، لوئیس (۱۹۸۶). المنجد في اللغة والأعلام. بیروت: دار المشرق.

معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین، ج ۳. تهران: امیرکبیر.

میرحسینی، محمد (۱۳۸۶). جایگاه سلطانیه در تحولات معماری و شهرسازی عصر ایلخانان. پیام باستان‌شناس، ۷، ۹۳-۹۷.

میرحسینی، محمدحسین. (۱۳۹۵). کالبد شهری سلطانیه و نقش آن در سازمان‌دهی فضاهای ایلپاتی - اداری ایلخانی. مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، ۲۲، ۵۸-۶۳.

مینورسکی، ب. (۱۳۷۲). سلطانیه. ترجمه ذبیح‌الله صفا. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نقره‌کار، کامران، صابری، مهدی، اسدی، مهدی (۱۳۹۱). خوانش نشانه‌شناختی فضاهای کارکردی آرامگاه سلطانیه. باغ نظر، ۹(۱۸)، ۴۳-۵۸.

وصاف‌الحضرة، شرف‌الدین عبدالله (۱۳۷۲). تحریر تاریخ وصاف. به کوشش عبدالمحمد آیتی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

وقف‌نامه مدرسه سلطانیه (۱۳۷۷). تصحیح و چاپ: ایرج افشار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ.ق). لسان العرب، ج ۱۱. بیروت: دار صادر.

ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲). التفهیم لصناعه التنجیم، به تصحیح جلال همایی. تهران: دانشگاه تهران.

بلر، شیلا س. (۱۳۷۲). کتیبه‌های اسلامی ایران، ترجمه رضا رضازاده. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.

ترکمان، عباس (۱۳۹۰). سیاست شهری ایلخانان و نقش سلطانیه. تاریخ ایران، ۴۵، ۱۱۴-۱۱۹.

جعفریان، محمد رسول (۱۳۸۷). تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا پایان صفویه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حافظ ابرو، عبدالرزاق بن نورالله (بی‌تا). ذیل جامع التواریخ. تصحیح: فضل‌الله رشیدیان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰. تهران: دانشگاه تهران.

سرفراز، سیامک، آوزرمانی، ناصر (۱۳۷۹). ضرابخانه‌ها و سکه‌های ایران از آغاز تا دوره ایلخانان. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

شمسی، منصوره، و همکاران (۱۳۹۷). سیاست دینی ایلخانان و بازتاب آن در سکه‌شناسی دوره ایلخانی. پژوهش‌های تاریخی، ۲۴(۱)، ۱۱۲-۱۲۰.

طالبیان، م.ح. و عباسی، ا. (۱۳۹۲). بررسی ساختار عملکردی و زیباشناسانه مجموعه آرامگاهی اولجایتو (ابواب البر)، سلطانیه. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۶، ۵۹-۷۴.

طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۰). اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیاتی. تهران: انتشارات خوارزمی. علی‌زاده مقدم، مهدی (۱۳۸۸). تحول ضرابخانه‌ها و سکه‌های ایلخانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فضل‌الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۹۳). جامع‌التواریخ. به کوشش محمد روشن، ج سوم. تهران: الهدی.

کاشانی، شرف‌الدین محمود بن محمد (۱۳۷۲). تاریخ اولجایتو. به کوشش محمد رسول قیامی. تهران: اساطیر.

- Album, S. (2012). *Auction 14: Lot 699*. Santa Rosa, CA : Stephen Album Rare Coins.
- Album, S. (2014). *Auction 18: Lot 680*. Santa Rosa, CA : Stephen Album Rare Coins.
- Album, S. (2016a). *Auction 24: Lot 510*. Santa Rosa, CA : Stephen Album Rare Coins.
- Album, S. (2016b). *Auction 26: Lot 534*. Santa Rosa, CA : Stephen Album Rare Coins.
- Album, S., Goodwin, T., & Shams al-Din, S. M. (2000). *Sylloge of Islamic Coins of the Ashmolean: Vol. 10: The Pre-Reform Coinage of the Ilkhanids*. Oxford : Ashmolean Museum.
- Allsen, Thomas T. (2001). *Culture and Conquest in Mongol Eurasia*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Bartlett, W. (1951). Coins and the Mongol Empire: Signs and Symbols. *Harvard Journal of Asiatic Studies*, 14(2): 247-259.
- Bates, M. (2022). Innovation and tradition in Ilkhanid coinage. In L. Travaini (Ed.), *Recent Developments in Islamic Numismatics* (pp. 158-165). Milan : Edizioni Della Normale.
- Blair, S. (1998). *Islamic Inscriptions*. Edinburgh : Edinburgh University Press.
- Blair, S. S. (2009). The Monumental Tombs of Ilkhanid Iran: Form, Function and Meaning. *Iranian Studies*, 42(3): 439-461.
- Blair, S. S., & Bloom, J. M. (1995). *The art and architecture of Islam: 1250-1800*. Yale University Press.
- Blair, Sheila S. (1993). The Ilkhanid Shrine Complex at Sultaniyya. *Muqarnas*, 10.
- Blair, Sheila S. (1995). "The Ilkhanid Shrine Complex at Natanz: Constructing Dynastic and Religious Legitimacy. *Muqarnas*, 12, 45-64.
- Blessing, P. (2022). *Rebuilding Anatolia after the Mongol Conquest: Islamic Architecture in the Lands of Rum, 1240-1330*. Oxford University Press.
- Boyle, John Andrew. (1971). The Mongol World Empire. Chapter in *The Cambridge History of Iran*, vol. 5. Cambridge : Cambridge University Press.
- Broome, M. (2019). A Monetary History of Iran : From the Safavids to the Qajars. I.B. Tauris.
- Curtis, J. (2018). The Significance of Coinage in the Mongol Empire. *Bulletin of the Asia Institute*, 28, 197-206.
- Farrokh, K. (2022). The City, the Coin, the Sovereign : Monetary Policy in Ilkhanid Iran. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 65, 450-483.
- Flood, F. B. (2009). *Objects of translation: Material culture and medieval "Hindu-Muslim" encounter*. Princeton University Press.
- Hawting, G. R. (2019). Coinage, the caliphate, and the changing face of the Muslim world. In P. Spufford (Ed.), *Money and its use in medieval Europe*. Oxford University Press.
- Heidenheimer, A. J., Heclo, H., & Adams, C. T. (1983). *Comparative public policy: The politics of social choice in America, Europe, and Japan* (2nd ed.). New York : St. Martin's Press.
- Kennedy, H. (2022). Coinage, Astronomy, and City Foundations in Medieval Iran. *Bulletin of the SOAS* 85, 75-97.
- Kolbas, J. A. (2006). *The Mongols in Iran: Chingiz Khan to Uljaytu 1220-1309*. Routledge.
- Kriml, M. (2021). The Meaning(s) of Zodiacal Signs on Ilkhanid Coins. In *Jahrbuch der Österreichischen Byzantinistik*, Vol. 71 : 219-234.
- Kriml, Y. (2021). Astrological Emblems in Ilkhanid Numismatics. *Journal of Islamic Archaeology*, 7(2), 218-231.
- Lane, G. (2014). *Daily life in the Mongol Empire* (2nd ed.). ABC-CLIO.
- Lane, G. (2018). *The Mongols in Iran: Qutb Al-Din Shirazi's Akhbar-i Moghulan*. Routledge.

- Matrakç N. (ca. 1537). *Beyan- Menazil-i Sefer-i Irakeyn-i Sultan Süleyman Han* (Topkapi Sarayı Museum Library, MS Revan 1457, fol. 22b). Istanbul.
- Melville, C. (1999). Oljeitu. In *Encyclopaedia Iranica*. <https://iranicaonline.org/articles/oljeitu>
- Melville, C. (1999). The Keshig in Iran: The survival of the royal Mongol household. In R. Amitai-Preiss & D. O. Morgan (Eds.), *The Mongol Empire and its legacy*. Brill.
- Melville, C. (1999). The Mongol and Timurid periods. In P. Jackson & L. Lockhart (Eds.), *The Cambridge history of Iran: Vol. 6. The Timurid and Safavid periods* (pp. 123-176). Cambridge University Press.
- Melville, C. (2012). The Ilkhan Oljeitu and his religious policy. *Iran*, 50, 1-13.
- Miles, G.C. (1967). Islamic Coins and the Cities of Iran. *Speculum*, 42(2), 239-251.
- Miller, D. (2010). Stuff. Cambridge: Polity Press.
- Moradi, A., Hallaj Asghar, A., & Yazdanpanah, N. (2021). Combined Settlement Patterns of Soltaniyeh: The Link Between Nomadic Traditions and Urban Managers. *Environmental Studies of Iran*, 14, 76-87.
- Morgan, D. (2007). *The Mongols* (2nd ed.). Blackwell.
- Morgan, D. O. (2017). The Mongols and Islam. In P. Wing & M. Subtelny (Eds.), *The Mongols and Iran: The history of the Ilkhanate*. Cambridge University Press.
- Mousavi, A. (2012). Sultaniyya: The Mongol Capital of Iran and the Integration of Steppe and Urban Cultures. *Iranian Studies*, 45(1), 3-21.
- O'Kane, B. (1996). The Tomb of Oljeitu at Sultaniyya. *The Iranian World*, 77-80.
- Pfeiffer, J. (2014). Reflections of a Prince: Building Projects and Political Culture in the Ilkhanate. In *Politics, Patronage and the Transmission of Knowledge in 13th-15th Century Tabriz*, pp. 57-74.
- Pfeiffer, J. (2014). Reflections on a 'Shi'ite Century' (c. 1258-1358): Competing visions of Muslim community under the Mongols. In R. Amitai & D. O. Morgan (Eds.), *The Mongol empire and its legacy* (pp. 217-243). Brill.
- Pfeiffer, J. (2014b). Landscapes of Power: The Ilkhanid Capital of Sultaniyya. In *Cities of Medieval Iran*, pp. 210-225.
- Raby, J. (2012). Soltaniyeh's zodiac coins: Mongol innovation in context. *The Numismatic Chronicle*, 172, 189-210.
- Spufford, P. (1988). *Money and its use in medieval Europe*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Treadwell, L. (2017). *The Early Muslim Bronze Coinage of Central Asia*. Royal Numismatic Society.
- Walker, E. A. (2023). Coins of Kūbā Bābā: Ilkhanid numismatic innovation. In N. Holmes & A. Oddy (Eds.), *Money, Markets and the Moral Economy* (pp. 134-139). London: Royal Numismatic Society.
- Walker, J. (2016). Ilkhanid Coinage and City Foundation. *Numismatic Chronicle*, 176, 123-128.
- Walker, J. (1956). *A Catalogue of the Muhammadan Coins in the British Museum, Vol. 2: Arab-Sassanian and Early Muhammadan Coins, Persiab and Eastern Muhammadans*. London: British Museum.
- Wickham, C. (2023). *Medieval Europe* (2nd ed.). Yale University Press.
- Woods, J. (1993 & 2023). Coins and City-Building in Ilkhanid Iran. *Iranian Studies*, 26(1), 117-121.

منبع تصاویر

URL1 :<https://exhibitions.kelsey.lsa.umich.edu/pearls/img/zoom/coin3b.jpg>URL2 :<http://www.worldofcoins.eu/forum/index.php?topic=56943.0>